

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانیازان

س.رها
۲۶ جون ۲۰۱۳

"مینا" زن قهرمانی که همپای زمان رزمید و جاودان شد

«مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید، اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار بامرگ روبه رو شدم- که می شوم- مهم نیست، مهم این است که زندگی یامرگ من، چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد...» (صمد بهرنگی- ماهی سیاه کوچولو)

کابل کمر شکسته، مادری را در بطن خود می پرورانید که او در سال ۱۹۵۶ چراغ امیدی را پیشکش داغدیدگان این وطن به خصوص زنان در بند کشیده ما کرد. این چراغ چیزی و کسی نبود جز مینای قهرمان.

مینا که با وجدان و شرافت آگاه و انسانی اش از آوان رسیدن به آگاهی طبقاتی اش با گوشت و پوست خود هر روز بدبختی، فقر و از همه بیشتر به قرون توحش نگهداشتن زنان و سنگسار هر روزه آنان را از جانب چهره های سپاهی که نمادی از بربریت و جاهلیت بودند، می دید و در خود می تپید تا بعد از پیکارهای جانانه اش نوری را به درخشش در آورد که "راوا" نام گرفت، به درستی "جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا)" ترس و لرزی را بر بدن جانینان قرون وسطائی پدید آورد که دیگر خواب از چشمان شان پریده بود و راوا را همچون میخ کوبنده بر چشمان شان حس می کردند.

مینا، بدبختی و محرومیت از همه چیز زنان را نه فقط در قانون سیاه و قرون وسطائی مرد سالاری می دید بلکه او دلیل اسارت زنان هم میهن خود را در نظام وحشی فئودالی و توحش طبقات حاکمه مزدور و وابسته به بیگانگان یافته و خود بیان داشت:

" زمانی زنان مظلوم وطن ما از اسارت و بندگی واقعی رهائی می یابند که دست به دست مردان هم سرنوشت وهم وضعیت شان داده و به خاطر سرنگونی دولت و دولت مردان مزدور و جاهل به مبارزه برخیزند " و در شرایطی که مزدوران خلق و پرچم با صاحبان کرملینش مام میهن را زیرچکمه های خونین خود تحت قیادت گرفته بود ندا سر داد:

"مبارزه علیه امپریالیستان روسی جدا از مبارزه علیه بنیاد گرایان نیست و آزادی منتظر زنان ما نیست مگر این که کمر همت بسته و با وطن پرستان واقعی برای آزادی وطن برزیم"

مینا هیچ معجزه آسمانی نداشت فقط همین وجدان آگاه و طبقاتی او و همین پیکارهای رهائی بخش و انقلابی اش بود که نام او در تاریخ زنان مبارز جهان جاودان گشته و راه درخشانی را برای زنان کلیه ممالک تحت سیطره توحش مردسالاری و ستم طبقاتی ترسیم کرد.

او نه تنها که به خار چشم امپریالیسم و مزدوران خلقی و پرچمی اش تبدیل شده بود بلکه همچون کوه تسخیر ناپذیری بر سر راه جنایت و خیانت های ارتجاع و بنیادگرایی، ایستاده بود و همین بود که مزدوران سوسیال امپریالیسم، سازمان

جنایت کار جاسوسی پاکستان با وحشی ترین نماینده بنیادگرایان دست به دست هم داده و در سال ۱۹۸۷ در کویتۀ پاکستان زبونی و ناتوانی خود هارا با ریختاندن خون مینای پاکباز و انقلابی، ثابت کردند. با این خیال خام و واهی شان که با کشتن مینا راهش نیز محو می شود ولی نمی دانستند که مینا بذری را در وجودی زنان این وطن کاشته که هر روز بارور تر می شود و خورش به مثابه آبیاری این بذری افشانده بود و به همین گونه، مینا ایستاده مرد و جاودان شد. راهش روشن و پرتوان باد!

(س.رها)